

روزنه
دیدارهای دیپلماتیک
صدراعظم پیشین آلمان در تهران
 بعد از زیگمار گابریل، معاون صدراعظم و فرانک والتر اشتاین مایر، وزیر خارجه آلمان، گرهارد شرودر، صدراعظم پیشین آلمان، دیروز در صدر هیاتی ۲۰نفره متشکل از مقامات صنعتی، تجاری و اقتصادی به تهران آمد و با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، علی شمخانی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی و محمدجواد ظریف، وزیر امورخارجه کشورمان، دیدار کرد. مسائل منطقه ازجمله بحران سوریه و نقش‌تنش‌های اخیر میان ایران و عربستان در حل‌وفصل آن و روابط بین‌المللی ازجمله همکاری‌های ایران و آلمان، مهم‌ترین مسائلی بود که در ایسن دیدارها به آن پرداخته شد. گرهارد شرودر در دیدار با آیت‌الله هاشمی گفت به ایران آمده بود تا برخلاف نگرانی‌هایی که بعضی‌ها از تقویت روابط ایران و آلمان دارند، بر اراده اقتصادی و سیاسی کشور متوعوش تأکید کند و نشان دهد که خواهان روابط پایداری با ایران هستند. هاشمی در این دیدار با اشاره به منابع غنی نفت و گاز، جمهوری اسلامی ایران را مرکز مهم انرژی‌های مورد نیاز جهان دانست و گفت: «تکنولوژی برتر آلمان می‌تواند زمینه همکاری‌های علمی، صنعتی و اقتصادی متقابل دو کشور، حتی در استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر باشد».شمخانی نیز در دیدار با شرودر ضمن تقدیر از نقش سازنده آلمان در جریان مذاکرات هسته‌ای، نزدیک‌شدن به زمان اجرای برجام را فرصت مناسبی برای سرعت‌دادن به روند همکاری‌های اقتصادی میان ایران و کشورهای اروپایی دانست.شرودر در این دیدار گفت: «فzusازاری دولت عربستان سعودی و تلاش برای بسیج کشورهای عربی و اسلامی علیه ایران به بهانه تعرض به سفارت این کشور، ضمن آنکه مورد اقبال قرار نگرفت به طور قطع مسیری سازنده به حساب نمی‌آید». بحث نقش ایران در حل بحران سوریه و رویکرد عربستان دراین‌خصوص در دیدار شرودر با محمدجواد ظریف، وزیر امورخارجه نیز مورد توجه قرار گرفت. ظریف در این دیدار با یادآوری مواضع ایران هراسانه عربستان در نامه به وزرای خارجه کشورهای مختلف جهان گفت: در این مدت همواره با اتخاذ سیاست‌های خویشتن‌دارانه تمامی اقدامات منفی آنها شامل: تعرض به دو نوجوان ایرانی و حادثه منا را که پیامدهای بدی در احساسات مردم ایران به جای گذاشت به‌طور عقلائی هضم کردیم.
politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحهاول

احمد توکلی به خود من می‌گفت از هاشمی نباید منتظری و از میرحسین نباید بنی صدر بسازیم. استراتژی ما این باشد که از هاشمی، منتظری درست نکنیم. میزگردی با دختراها و پسرها نشسته بود. در آنجا آقای هاشمی گریه می‌کند! تا ایشان گریه می‌کند می‌گویند «کات، فیلم خراب شد. از نو!» آقای هاشمی عصبانی می‌شود و می‌گوید: «یعنی چه؟ من را مسخره کردید. مگر گریه کنم چه اتفاقی می‌افتد؟! پسرش می‌گوید: «بابا! غصه نخور ما در حال ساخت مارمولک ۲ هستیم!» (با خنده) در آن دیدار به آقای هاشمی گفتم وقتی در فیلم انتخاباتی‌تان می‌گویید برای پوشش لخت‌نبودن کافی است! وقتی حتی یک سفر استانی نرفتی و متکبرانه گفتی: ما اینجا برنده‌ایم، کاری نداریم که برویم. روشن است که به بسیجی‌ها بگویم یا نکویم به شما رای نمی‌دهند. بسیجی دنبال آرمان امام است. در آن دیدار آقای هاشمی چندبار با کنایه به من می‌گفت: «فامیل‌تان احمدی‌نژاد!» گفتم من با آقای احمدی‌نژاد نسبتی ندارم. اما دو سه بار حرفش را تکرار کرد.

– به نظر من آقای هاشمی، آن فرد باهوش گذشته نیست. زمانی که بررسی می‌کنی، متوجه می‌شوی مطلبی را می‌گوید؛ اما پس از مدتی مطلب دیگری می‌گوید که صحبت اولش را نقض می‌کند. مشخص است که کیاست گذشته را ندارد و البته بالا رفتن سن هم اثر دارد. تصور آقای هاشمی این بود که من با احمدی‌نژاد خیلی صمیمی هستم و دلیل روی‌کارآمدنش بنده هستم. آقای هاشمی در ضمن صحبت چندبار گفت: «فامیل‌تان احمدی‌نژاد، متوجه شدم به شایعه فامیل‌بودن من با احمدی‌نژاد اشاره می‌کند. به ایشان گفتم: «اصلا احمدی‌مقدم با احمدی‌نژاد چه طوری شناسنامه‌ای باجناق می‌شوند؟ خنده‌دار نیست؟ همسر من اهل کردستان است و ما هیچ نسبتی با آقای احمدی‌نژاد نداریم. بچه‌محل بوده‌ایم، ولی حتی حامی نمی‌آید او را در محل دیده باشم. در شهرداری با او آشنا شدم. این شایعات مال بی‌بی‌سی است. البته آقای روحانی هم یک بار همین مطلب را به من گفت، اما آقای هاشمی از شما تعجب می‌کنم که چنین حرفی می‌زنید!» به شوخی به ایشان گفتم: «حاج‌آقا! مثل اینکه شما هم مشتری بی‌بی‌سی هستی؟! اگر تلویزیون خودمان را گوش داده باشید، من سه بار در تلویزیون توضیح دادم که من هیچ نسبتی با آقای احمدی‌نژاد ندارم.» گفت: «من اصلا تلویزیون

سیاست

ناگفته‌های تازه احمدی‌مقدم از ۸۸



پانزدهم اردیبهشت ۱۳۸۸

خودمان را نگاه نمی‌کنم. ارزش دیدن ندار؛ معلوم نیست چه می‌گویند، همش چرت‌وپرت است». – در اینکه آقای ازهای حزب‌اللهی، وفادار به نظام و ضد دوم خرداد است، تردیدی نیست، اما به نظر من در انتصاباتش مقداری محتاطانه عمل می‌کرد و این محتاط‌بودن کمی برایش مشکل ایجاد کرد. در جریان فتنه، پشتیبانی‌نکردن اطلاعاتی وزارت از ما کاملاً مشخص بود. هیچ وقت اطلاعاتی از آنها نمی‌گرفتیم، در واقع وجود یک سکنه خبری و جدی‌نگرفتن ماجرا در آنجا مشخص بود. وزارت حتی در ادامه فتنه هم اطلاعات درست و دقیقی ارائه نمی‌کرد. ولی ما از پیش از انتخابات تحرکات را رصد می‌کردیم.

– پیش از انتخابات جلساتی در دفتر آقای هاشمی تشکیل می‌شد که بخش راهبردی در آنجا بود. این جلسات در دفتر آقای هاشمی با حضور خاتمی، هاشمی، میرحسین، ناطق و سیدحسن خمینی تشکیل می‌شد و برنامه‌ریزی‌ها در آنجا بود. در آنجا روی یک کاندیدا با هم توافق کردند. البته ابتدا موسوی در جلسات عضو نبود، زمانی که کاندیداتوری او قطعی شد به جمعشان اضافه شد. برگزاری جلسات مشخص می‌کرد که آنها در حال سازماندهی هستند تا با تمام قوا در میدان حاضر شوند. ما با این مجموعه اطلاعاتی که در اختیار داشتیم، حدس می‌زدیم انتخابات پرچالشی در پیش‌روی داریم؛ اگر انتخابات را ببرند جشن پیروزی دارند و سپس از انتخابات با افزایش سرعت عمل کارهای نکرده دوم خرداد را می‌خواهند انجام دهند. – در اواخر سال ۸۷ اتاق رصد رسانه‌ها را برای رصد اقدامات سیاسی در ناجا تأسیس کردیم. بوشن

– زمانی که میرحسین با حمایت رسانه‌ها در صحنه حاضر شد، استقبال‌های گسترده‌ای از او شد. وقتی چند گزارش از این استقبال‌ها را برای احمدی‌نژاد بررند، از میزان حضور اصلاح‌طلبان تعجب کرد و نگران شد. ۱۰ روز مانده به انتخابات، ناگهان سفرهای استانی خود را افزایش داد و هر روز به دو یا سه استان سفر می‌کرد. – ما اخبار، اطلاعات و نظرسنجی‌ها را به تمام دستگاه‌های رسمی و رؤسای سه قوه، وزارت اطلاعات و سپاه ارسال می‌کردیم. آقای احمدی‌نژاد به‌دلیل موقعیتش، به اطلاعات دسترسی داشت و از شبکه اجتماعی خوبی برای ارزیابی اوضاع برخوردار بود. تنها تماس من با ایشان، پس از منظره با موسوی و کروبی بود. چون یکی از باشنه‌آشیل‌های محسن رضایی جنک است. اگرچه آقامحسن برای خودش برگه‌برنده حساب می‌کند، اما می‌شود با تا دو سؤال محسن رضایی را خراب کرد. مثلاً عملیات رمضان را برای چه طراحی کردی و چرا بچه‌های مردم را به کشتن دادی؟ یا مثلاً در عملیات کربلای ۴ و از این‌جور سؤال‌ها قبل از منظره به آقای احمدی‌نژاد زنگ رد و گفتم: «فراع مقدس در ذهن مردم تقدس دارد، این را در خط قرمز بگذارید و وارد این حوزه نشوید. به آقامحسن هم می‌خواهم بگویم حالا در حوزه سیاسی هرچه می‌خواهید همدیگر را زنید، اما تقدس جنگ را از بین نبرید».

۲۵ – خرداد به استناد فیلم‌ها و به روش جداسازی بلوک‌ها و شمارش نفرات، جمعیتی حدود ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر حضور داشتند، اما چپ‌ها با مبالغه، حضور دو یا سه میلیون نفر را اعلام کردند. حتی اگر دو میلیون نفر هم بودند، خیلی غیرمنتظره نبود. موسوی در تهران حدود دو میلیون و ۳۰۰ یا ۴۰۰ هزار رای آورده بود، تعدادی که شرکت کردند، یک‌پنجم کسانی بودند که به او رای دادند. این تعداد هم در همان هفته به‌مرور کاهش یافت، به‌طوری‌که جمعیت آنها در تجمع مقابل صداوسیما ۵۰ هزار نفر بود.

– راهپیمایی بزرگشان را بیست‌وپنجم گذاشتند. بیانیه‌نویس‌شان هم مجید انصاری بود. در جلسه دبیرخانه که همان روز برگزار شد تصمیم گرفتیم با اغتشاش‌گران برخورد کنیم و اگر کسی بی‌نظمی یا اخلاص عمومی ایجاد کرد او را دستگیر کنیم. ما به آنها ابلاغ کردیم اجازه تجمع ندارید. بعد مجمع بیانیه داد و لغوش کرد. به خاطر دارم در آن روز آقای تابش، نماینده مجلس طبق رفاقتی که از قدیم با من داشت، با من تماس گرفت و گفت: «نه! می‌شود ما همراه آقای خاتمی به تجمع برویم یا نه؟» گفتم: «من توصیه نمی‌کنم که آقای خاتمی برود؛ چون بالاخره این تجمعات غیرقانونی است و جرم محسوب می‌شود». گفت: «نه، ما می‌خواهیم جلوی مسجد صاحب‌الزمان در خیابان آزادی، آقای خاتمی با یک بلندگو روی وانت به مردم بگوید بروید خانه‌هایتان.» گفتم: «من این را هم توصیه نمی‌کنم. اگر می‌خواهد در مسجد صحبت کند اشکالی ندارد، ولی بیرون مسجد را توصیه نمی‌کنم». گفت: «حالا باید چه کار کنیم. حاج‌آقا قول داده است که برود. براینام خیلی بد می‌شود. حالا شما یک کاریش بکن، ولی نمی‌شود که ما نرویم.» گفتم: «خب باشد. حالا یک کاریش می‌کنیم». یک تیم اسکورت

بهش دادیم. که آنها هم از مسیری خاتمی را بردند که در ترافیک بیفتد. خاتمی هم تماس گرفت و گفت: «من در راه‌بندانم و دیگر نمی‌روسم!» بعدهم به بهانه اینکه اینجا خطرناک است، دستور داد که برگردند. آقای خاتمی خیلی زیرک است و حواسش کاملاً جمع بود. – آقای خاتمی از همان ابتدا یک احتیاط‌هایی داشت؛ مثلاً همین که کلمه جنبش سبز را به کار نبرد و از همان ابتدا حساسیش را از آنها جدا کرد. واژه تقلب را به کار نبرد تا راه گریزی برای خودش گذاشته باشد، یا مثلاً به آقا حمله نکرد. یک خطوط قرمزی برای خودش گذاشت که الان همان خطوط قرمز او را با کروبی و موسوی متمایز می‌کند. اگر بخواهیم جمع‌بندی کنیم، حتی می‌توانیم بگوییم که مواضع، اقدامات و رفتارهایش از هاشمی بدتر نبوده است، ولی شبی نیست که اینجا همه در پشت صحنه با هم هماهنگ بودند و به نظر من اگر عقل دست خاتمی بود مسئله را زودتر جمع می‌کرد، ولی دیگر کار از دست اینها هم خارج شده بود.

– آقای ناطق بعدا به من گفت: «خدا وکیلی من دیگر بعد از انتخابات در جلسات آنها شرکت نکردم و حسابم را جدا کردم. تا قبلش برای اینکه موسوی بیاید و احمدی‌نژاد را کنار یزنیم با اینها هماهنگ بودم، ولی بعد از این رفتارها دیگر با آنها هماهنگ نبودم».

– ما اطلاعات فریب می‌دادیم که تظاهرات در فلان نقطه برگزار خواهد شد، اما می‌دیدیم که هیچ کسی نمی‌رود. معلوم می‌شد که یک شبکه مطمئنی دارند که فقط از طریق موبایل و اس‌ام‌اس هدایت نمی‌شوند و تجمعات در همان جایی که مشخص شده برگزار می‌شد. آنها هم وقتی کروبی با موسوی می‌خواستند به تجمعات بروند، اطلاعات فریب می‌دادند. ولی ما از اینکه تیم حفاظت آنها کدام منطقه را چک می‌کنند، متوجه می‌شدیم محل تجمعشان کجاست. آنها از شبکه‌های اجتماعی خیلی خوب بهره‌برداری می‌کردند، ولی ما در رابطه با فیس‌بوک و شبکه‌های مجازی خیلی توجیه نبودیم. هماهنگی خارج و داخل ... و مدتها برعهده بچه‌های مجاهدین انقلاب امثال محسن آرمین و بهزاد نبوی بود.

– (مجمع روحانیون مبارز) عددی نبودند. حالا ممکن است در حد حرف و اعلام موضع یک بیانیه‌ای هم می‌دادند، اما مدیریت دست بچه‌های مجاهدین انقلاب بود. البته چندتاشان را که گرفته بودند و زندان بودند ولی تاج‌زاده، بهزاد نبوی و بقیه که بیرون بودند داشتند کار خودشان را می‌کردند.

– صبح ۲۵ خرداد حدود ساعت ۱۱–۱۲ که جلسه شورای امنیت ملی بود، آقای عزیز جعفری به من زنگ زد و یک سری توصیه‌ها کرد. چون مسئولیت به ما داده شده بود نه به سپاه؛ یعنی همچنان موضوع انتظامی بود و هنوز امنیتی نشده بود. ایشان گفت: «آقای احمدی‌مقدم امروز برای شما یک دوراهی سخت است. در تاریخ اسم شما می‌ماند و راجع به شما قضاوت می‌شود. نباید بگذاری اینجا تجمعی شکل بگیرد». یکی، دو نفر دیگر و شاید آقای طائب هم به من زنگ زدند. من هم آقای رادان را فرستاده بودم و نیروهایمان هم در میدان بودند. تیپ یکان ویژه را در مسیرها مستقر کردیم. بنا بر این گذاشته بودیم که اصلاً اجازه ندهیم تجمع شکل بگیرد. تا اینکه آقای رادان حدود ساعت سه به من گفت: «در میدان انقلاب جمعیت سرازیر شده و دارند می‌آیند». گفتم: «جلویشان را بگیر». گفت: «اصلا نمی‌شود». نیم‌ساعت بعد گفت: «شاید چهل هزار نفر جمعیت اینجا هستند. هر لحظه هم اضافه می‌شوند.» گفتم: «پس درگیر نشوید. فقط نیروها را به پیاده‌روها بیاورید. هر کاری می‌خواهند بکنند، بکنند ولی نگذارید تشنج و درگیری بشود. فقط امنیت تظاهرات را برقرار کنید». بچه‌های حزب‌اللهی هم جمع شده بودند و شعار می‌دادند. گفتم: «یک وقت بچه‌های حزب‌اللهی حمله نکنند و گزکی دست اینها بدهند». و البته صبح همان روز هم زنگ زده بودم به شیخ قدرت علیخانی که نماینده مجلس بود گفتم: «شیخ قدرت! تو که آدم عاقلی هستی برو بگو فردا همه‌تان را دستگیر می‌کنند. اینجا دیگر محل برخورد است تصمیم این است. اگر فردا مجمعی‌ها همه زندان رفتند کله‌مند نباشید». بعدش زنگ زد گفت: «من هماهنگ کردم و الان مجمع بیانیه می‌دهد که به راهپیمایی نیایند». البته بیانیه هم دادند، ولی الکی و آبکی بود. فقط برای این بود که خودشان را تبرئه کنند. واقعا نرسیده بودند و شاید عمده شخصیت‌هایشان هم نیامدند. یک جوری سُر خوردند و دُر رفتند. گفتند چون غیرقانونی است نیامدند.

– تا عصر بخش اعظم راهپیمایی تا جلوی دانشگاه صنعتی شریف بود. بعد از اتمام تجمع جمعیت که عمده‌شان هم از شمال شهر آمده بودند درحال پراکنده‌شدن بودند و به سمت شمال شهر برمی‌گشتند، جلوی پایگاه بسیج ایستادند، دعا و درگیری درست کردند. بچه‌های پایگاه هم از داخل درب را بسته بودند. و تعدادی‌شان رفته بودند بالای پست‌بام. بالاخره اغتشاش‌گران به پایگاه حمله می‌کنند. بچه‌های بسیج هم یکی، دو تا تیر شلیک می‌کنند. (دستور تیراندازی را) قبل‌ا قرارگاه ثارالله ابلاغ کرده بود. از ۷۰ یا ۷۱ که در درگیری‌های مشهد، کلانتری آنجا سقوط کرد، شورای امنیت ملی ابلاغ کرد که چون مقرهای نظامی نباید سقوط کنند، اگر درمرعض سقوط بودند، حق تیراندازی دارند. بسیجی‌ها هم کسانی را تیر زدند که آمده بودند داخل حیاط یا از روی نرده داشتند داخل حوزه بسیج می‌شدند. آخرسر هم ما نیرو فرستادیم و آن صحنه را کنترل کردیم؛ ولی آتش‌سوزی، کشته و زخمی‌شدن صحنه‌های بدی ایجاد کرد. درمجموع می‌توانیم بگوییم آن روز منهای این یک مسئله، موضوع امنیتی دیگری نداشتیم.

خبر
روایت مطهری از هویت مهاجمان سفارت

● **گروه سیاست:** علی مطهری روز گذشته در نطق میان‌دستور خود در صحن مجلس از نحوه برخورد نیروی انتظامی با عوامل حمله به سفارت عربستان انتقاد کرد و حکم صادرشده در دادگاه حمله به خودش در شیراز را هم ناعادلانه دانست. او در نطق دیروز خود اعدام آیت‌الله نمر توسط حکومت مستبد سعودی صرفاً به جرم انتقاد و اعتراض را حاکی از بازگشت آل‌سعود به جاهلیت قبل از اسلام و یادآور خون‌خواری عرب دوره جاهلیت و نیز خشونت‌های مذهبی قرون وسطا در اروپا دانست و در ادامه گفت: «حکام آل‌سعود با بازگشت به ارزش‌های دوره جاهلیت مانند غرور و تبختر و تعصب نژادی و قبیله‌ای، خاطره ابوجهل و ابوسفیان را زنده کرده‌اند». مطهری در ادامه با تأکید بر اینکه عربستان با الهام از دوست دیرینه‌اش اسرائیل، خواب‌هایی برای ایران دیده است، افزود: «به‌هوش باشیم و مانند ماجرای سفارت عربستان در دام او گرفتار نشویم». این نماینده مردم تهران در ادامه از نوع برخورد نیروی انتظامی با حادثه سفارت عربستان انتقاد کرد و گفت: «بدون شک مقصر اصلی در قضیه سفارت عربستان، نیروی انتظامی بوده است. پس از اعدام فجیع آن عالم و رهبر دینی، بسیار روشن بود که عواطف مذهبی و انسانی هر مسلمانی جریحه‌دار شده و عده‌ای، چه سازمان‌یافته و چه خودجوش، به سوی سفارتخانه حرکت می‌کنند... ولی نیروی انتظامی به صرف اینکه این افراد منتسب به جریحه‌دار شده و عده‌ای، چه سازمان‌یافته و چه خودجوش، به سوی سفارتخانه حرکت می‌کنند... ولی فلان نهاد هستند، از انجام وظیفه خود سرباز می‌زنند، مشکلی که در حادثه شیراز نیز وجود داشت. بنابراین نیروی انتظامی درباره این اتفاق که به نفع عربستان تمام شد، باید پاسخ‌گو باشد». مطهری در بخش دیگری از نطق خود با اشاره به تلاش لابی موسوم به «ایران‌اندشن برجام» گفت: «به نظر می‌رسد مجلس ایران باید درخصوص قانون محدودیت صدور ویزا برای ورود به ایران، مقابله‌به‌مثل کند و با موصوبه‌ای، مثلاً برای ورود خبرنگاران و تجار آمریکایی به ایران محدودیت‌هایی قائل شود.

اعلام رسمی تشکیل سیاسی مطهری

ایسن نماینده مردم تهران در مجلس با بیان اینکه مشارکت بالا در انتخابات آینده موجب عزت و استحکام بیشتر و ارتقای جایگاه نظام جمهوری اسلامی در جهان و جلب احترام ملل دیگر به ملت ایران است، گفت: «پس حتی منتقدان و مخالفان نیز شرکت کنند». او همچنین با پرشردن نقاط ضعف و قوت اصلاح‌طلبان و اصولگرایان، کم‌توجهی به آزادی‌های اساسی ملت و حقوق شهروندی را ضعف اصولگرایان دانست و گفت: «آنها بسیاری از بی‌قانونی‌ها و بی‌عدالتی‌ها را تحت عنوان حفظ نظام توجیه می‌کنند». مطهری نقطه ضعف اصلی اصلاح‌طلبان را هم تسامح و تساهل در مسائل فرهنگی عنوان و در ادامه اعلام کرد: «تشکل «صدای ملت» بر آن است که ضمن حفظ نقاط قوت این دو جریان سیاسی، این دو نقطه ضعف آنها را نداشته باشد. بنابراین حضور خود در میدان سیاست را به عنوان راه سوم به دلیل نیاز جامعه ام‌روز ایران به این جریان فکری و سیاسی، ضروری می‌داند و به همین دلیل، فهرست انتخاباتی ارائه خواهد کرد».
مطهری تأکید کرد: «مجلس نهم در حوزه سیاست داخلی و اجرای فصل سوم قانون اساسی درباره حقوق ملت، کارنامه درخشانی ندارد. از قضا رعایت حقوق ملت، در اقتصاد کشور هم انرژی‌گذار است؛ مثلاً آزادی مطبوعات و به طور کلی رسانه‌ها همیشه مانع تخلفات بزرگ اقتصادی است و رانت‌خواری‌ها و اختلاس‌های بزرگ معمولاً در دوره محدودیت رسانه‌ها رخ داده است. بنابراین مطبوعات و رکن چهارم دموکراسی یا قوه چهارم یک حکومت نامیده‌اند».
مطهری همچنین در بخش دیگری از نطق خود گفت: «ریشه بسیاری از فسادهای اقتصادی در کشور ما دخالت مستقیم و غیرمستقیم برخی افراد وابسته به نهادهای حکومتی در پروژه‌های بزرگ اقتصادی است و مسئولان با اعتماد به آنها و بدون نظارت کافی به ایسن افراد میدان می‌دهند و مردم نیز اعتماد و در این شرکت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند و پس از مدتی نهادهای نظارتی و قوه قضائیه مانع ادامه کار آنها می‌شوند ولی به دلیل همان روابط و ملاحظه‌کاری‌ها و رودربایستی‌ها قدرت حل‌وفصل سریع آن را ندارند و در این میان مردم دچار خسارت می‌شوند».

درخواست مجدد دیدار حل‌وفصل حصر

او همچنین با اشاره به معضل آلودگی هوا، پیشنهاد اجرای سراسری طرح زوج و فرد در ماه‌های آذر و دی هر سال را داد و در ادامه از شهرداری تهران هم به دلیل جمع‌آوری معتادان محله هرندی تهران و انتقال آنها به اماکن مناسب و اجرای برنامه‌های تربیتی برای آنها تشکر کرد.
مطهری از صداوسیما هم به خاطر اینکه امسال در ایام ۹ دی گزارش‌های واقعی‌تر و متصفانه‌تری از حوادث سال ۸۸ داشت، تشکر کرد و در ادامه گفت: «از رئیس قوه قضائیه می‌خواهم مسئله ادامه حصر را حل‌وفصل کنند».

اعتراض به حکم دادگاه‌های شیراز

مطهری در بخش دیگری از نطقش هم گفت: «احکام دادگاه حادثه شیراز از نظر اینجانب عادلانه نبود، اگرچه نفس این اتفاق در جمهوری اسلامی که بالاخره یک گروه فشار وابسته به یک نهاد، محاکمه و احکامی برای آنها صادر شد، یک پیروزی و امر مبارکی محسوب می‌شود». او همچنین در پایان نطق خود تأکید کرد: «سیاست حذف برای کشور ما سم مهلک است. آقای احمدی‌نژاد با هدف حذف جناب آقای هاشمی‌رفسنجانی بر مسند ریاست‌جمهوری نشست اما دیدیم نه‌تنها نتوانست این کار را انجام دهد بلکه کشور را با مشکلات جدی مواجه کرد».